

تاثیر روش تدریس بدیعه پردازي وقصه گویی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

محسن روشیان رامین ۱، محمد اسلام خرمی ۲ و اسماعیل طالعی رحیمی ۳

۱ هیات علمی گروه تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه بین المللی چابهار
۳ دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه بین المللی چابهار

چکیده

ذهنیت فلسفی منجر به داشتن تفکر خلاق و سازگارانه می گردد. از مولفه های مرتبط با ذهنیت فلسفی می توان به بدیعه پردازي وقصه گویی اشاره کرد که بر همین مبنا پژوهش حاضر به بررسی مقایسه اثر روش تدریس بدیعه پردازي وقصه گویی بر ذهنیت فلسفی دانش آموزان پرداخته است. طرح پژوهش، شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه است. فرایند پژوهش به این صورت است که پیش از اجرا، معلم مربوطه بر اساس برنامه تنظیم شده توسط محققان، آموزش های لازم را در زمینه روش تدریس بدیعه پردازي وقصه گویی داده شد و منابع و سایت های آموزشی مربوطه در اختیار او قرار گرفت. بعد از اطمینان کامل از مهارت معلم مربوطه، فرایند پژوهش شروع شد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان شهر راسک در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ می باشد، که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین مناطق مختلف، یک منطقه انتخاب و از منطقه انتخاب شده، به شیوه تصادفی ساده، دو کلاس (۳۵ نفره) انتخاب شد و به گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. ابتدا پیش آزمون اجرا شد و پس از مداخله از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. یافته های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تحلیل شد. تحلیل داده ها نشان داد که آموزش قصه گویی با ضریب اتای ۰/۴۶ و آموزش بدیعه پردازي با ضریب اتا یا اثربخشی ۰/۳۶ بر افزایش ذهنیت فلسفی تاثیرگذار می باشند. باتوجه به نتایج تحلیل واریانس قصه گویی تاثیر بالاتری نسبت به روش بدیعه پردازي بر ذهنیت فلسفی دانش آموزان دارد. باتوجه به یافته های پژوهش میتوان نتیجه گرفت برای داشتن دانش آموزانی با ذهنیت فلسفی بالا باید به آنها با روش های قصه گویی و روش تدریس بدیعه پردازي آموزش داد و این نکته باید مورد توجه معلم ها قرار بگیرد

واژگان کلیدی: بدیعه پردازي وقصه گویی، پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان

مقدمه

انتخاب روش تدریس اثربخش به مقوله‌ی یکی از عناصر مهم برنامه‌ی درسی و طراحی آموزشی و چگونگی انتقال مفاهیم درسی و یافتن راهی آسان و در خور فهم به فراگیران در فضایی پذیرا و پر جنب و جوش وظیفه‌ی ای است که همواره سنگینی و مسئولیت آن را بر خود احساس می‌کنند. در کنار برنامه‌های آموزشی با نقل قصه‌ی ای می‌توان به جای خشکی و یکنواختی تنوع و جذابیت را نشان داد و فرآیند یاددهی- یادگیری را اثربخش تر کرد. در ادبیات سبب کسب مهارت‌های زبانی، در هدیه‌های آسمان به طور غیرمستقیم با نکته‌های اخلاقی و رهگشا آشنایی پیدا می‌کنند در دروس تاریخ و علوم اجتماعی، پیام درسی عینی و رد درس علوم بعضی از مفاهیم مربوط به حیوانات را آموزش می‌دهد. این الگو را ویلیام گوردن و همکارانش تدوین و تهیه کرده‌اند. گوردون آموزش گروه‌های خلاقیت در صنعت را آغاز کرد و آن را به صورتی در آورد که برای آموزش دانش آموزان هم کاربرد داشته باشد. عنصر عمده در بدیعه پردازی یا تفکر استعاری استفاده از قیاس هاست. دانش آموزان با انواع قیاس‌ها کار می‌کنند تا با آرامشی که پیدا می‌کنند به مقایسه‌های استعاری بیشتری بپردازند. سپس آنان از قیاس‌ها و مقایسه‌هایی که به عمل آورده‌اند برای حل مسایل یا ارایه فکر جدیدی و اندیشه‌ای نو کمک می‌گیرند. برای حل بسیاری مسایل منطقی که داریم کافی است اما اگر منطق، حل‌کننده مسایل نباشد چه باید کرد؟ الگوی یادگیری حاضر یادگیرنده را اندکی به دنیای غیر منطقی یا دور از منطق رهنمون می‌سازد. در آنجا فرصتی ایجاد می‌شود تا یادگیرنده راه‌های نوین درک و فهم اشیا، مسایل، مفاهیم و رخدادها را دریابد. برای مثال دانش آموزی مکرر غیبت می‌کند. اکثر معلمان دانش آموز را تنبیه می‌کنند. استعاره‌ها و بدیعه پردازی به معلمان یاری می‌کند تا راه‌های نوین تفکر درباره دانش آموزان انگیزه‌های آنان ماهیت تنبیه‌ها و ماهیت مسایل را بیابند و به کار گیرند. معلم به ناچار باید با کسی که با او در جدال و تعارض است با شفقت و مهربانی رفتار کند. با استفاده از قیاس باید دانش آموز غایب شود اگر کلاس و مدرسه را چنان چکاوک ناخرسند در آسودگی ویرانگر بدانیم و مسئله را همچون جشنی بی‌مهمان فرض کنیم.

پیشینه پژوهش

مددی وصیف (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر به کارگیری روش تدریس بدیعه پردازی بر افزایش میزان خلاقیت دانش آموزان پرداخته‌اند. مروری بر نظام آموزش کنونی کشور نشان می‌دهد که در حال حاضر این سیستم آموزشی در اکثر موارد به جای آنکه نیروی شگفت‌انگیز ذهن دانش آموزان را برای خلق ایده‌های جدید و تبدیل آنها به واقعیت پرورش دهد، فقط به این موضوع تاکید دارد که از ذهن برای ذخیره‌ی اطلاعات استفاده کنند اما امروزه در دنیای پر از تغییر و تحول زندگی می‌کنیم که در عین تغییر و پیچیدگی، با مسایل دشوار زیادی مواجه است؛ بنابراین نظام آموزشی باید از روش‌های خلاق و پویا استفاده نماید تا دانش آموزان بتوانند بدین وسیله از عهدی رویارویی با مسایل برآمده و محیط پیرامون خود را بهبود بخشند که یکی از این روش‌های خلاق و پویا، روش تدریس بدیعه پردازی می‌باشد. لذا مقاله حاضر بر آن است تا به بررسی میزان تاثیر این الگو بر افزایش خلاقیت و نوآوری دانش آموزان بپردازد.

عجم وقاسمی (۱۳۹۹) در پژوهشی به اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر درگیری تحصیلی دانش آموزان ششم ابتدایی شهر گناباد پرداخته است. این پژوهش با هدف اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر درگیری تحصیلی دانش آموزان ششم ابتدایی شهر گناباد از طریق روش پژوهش شبه آزمایشی به انجام رسیده است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان دختر پایه ششم شهر گناباد در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده است. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۵۰ نفر از دانش آموزان از بین آنان انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۲۵ نفر) گمارده شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه درگیری تحصیلی شریفی (۱۳۹۱) صورت گرفته است. در این پژوهش پایایی پرسشنامه درگیری تحصیلی با استفاده از آلفای کرانباخ ۰/۷۷ به دست آمد. از تحلیل کوواریانس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که تاثیر روش تدریس بدیعه پردازی بر درگیری تحصیلی دانش آموزان معنادار است. با توجه به نتایج، می‌توان نتیجه گرفت که اگر روش تدریس بدیعه پردازی در مدارس به کار گرفته شود دانش آموزان در درگیری تحصیلی پیشرفت چشمگیری خواهند داشت.

برکت (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی در دانش آموزان پایه پنجم ابتدائی شهرستان ماهشهر پرداخته است. این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی در دانش آموزان پایه پنجم ابتدائی شهرستان ماهشهر صورت گرفت. روش تحقیق نیمه تجربی بوده و از طرح پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدائی شهرستان ماهشهر در سال تحصیلی ۹۳ - ۹۴ بود. نمونه پژوهش نیز شامل ۳۰ نفر از دانش آموزان بود که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین دانش آموزان پسر پایه پنجم شهرستان ماهشهر در سال تحصیلی ۹۳ - ۹۴ انتخاب شدند و در گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. جهت اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس ریاضی از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شد. ابتدا هر دو گروه مورد پیش آزمون قرار گرفتند و سپس مداخله آزمایشی بر روی گروه آزمایش به صورت ۱۲ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (سه جلسه در هفته) توسط پژوهشگر اجرا شد. پس از پایان مداخله بر روی گروه آزمایش، آزمودنی‌های هر دو گروه به آزمون شدند. یافته‌های تحقیق با استفاده از روش کواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان داد روش تدریس بدیعه پردازی باعث افزایش پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش آموزان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شد.

عبدی وهمکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثربخشی روش تدریس نمایش خلاق بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی پرداخته اند. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه اثربخشی روش تدریس نمایش خلاق و روش تدریس سنتی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی می باشد. روش تحقیق از نوع شبه آزمایشی و از طرح دو گروهی با پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد. ۴۱ دانش آموز پسر در دو کلاس در پایه پنجم ابتدایی در شهر کامیاران در این پژوهش مشارکت داشتند که از طریق روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند و از این تعداد ۲۱ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل بودند. گروه آزمایش از طریق روش تدریس نمایش خلاق و گروه کنترل از طریق روش تدریس سنتی آموزش دیدند. مدت این دوره شش هفته بود. ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل آزمون معلم ساخته پیشرفت تحصیلی درس علوم شامل ۲۰ سوال مورد استفاده قرار گرفت. جهت تحلیل داده های آماری از تحلیل کواریانس یک متغیری ANCOVA استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که دانش آموزانی که از طریق روش تدریس نمایش خلاق آموزش دیده بودند پیشرفت تحصیلی بالاتری در مقایسه با دانش آموزان آموزش دیده با روش تدریس سنتی داشتند.

رزاقی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی مقایسه تاثیر دو روش سخنرانی و طرح تدریس اعضای تیم بر نگرش و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس علوم تجربی پایه پنجم پرداخته است. روشهای یادگیری مشارکتی در سالهای اخیر مورد توجه معلمان و پژوهشگران قرار گرفته است. استفاده از این الگو در کلاس باعث افزایش بازدهی یادگیری و همچنین بهبود نگرش دانش آموزان به مدرسه و افزایش انگیزه تحصیلی آنان شده است؛ که در این تحقیق مفصل به آن پرداخته می شود. طرح تحقیق از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون پس آزمون ب گروه کنترل است. جامعه تحقیق دانش آموزان پایه ی پنجم آموزش و پرورش شهرستان زیرکوه بودند. ۸۰ نفر از جامعه آماری به صورت تصادفی انتخاب شدند این نمونه ۸۰ نفری به طور تصادفی در دو گروه ۴۰ نفری شاهد و آزمایش مورد آزمون قرار گرفتند. روش تدریس مشارکتی تدریس اعضای تیم بر روی گروه شاهد و سخنرانی بر روی گروه گواه انجام شد. به منظور تجزیه و تحلیل از آزمونهای آماری آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد. نتایج حاصل حاکی از تاثیر روش یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و همچنین افزایش نگرش دانش آموزان به معلم و مدرسه بود اما روش مشارکتی روی انگیزه پیشرفت دانش آموزان تاثیر نداشت این نتایج با نظریات ارائه شده و پژوهش های انجام شده در این زمینه همخوانی دارد. اجرای روش های مشارکتی در کلاس، همکاری معلمان و مدیران مدارس و از همه مهمتر همکاری برنامه ریزان درسی در سطح کلان را می طلبد.

فرضیات تحقیق**فرضیه کلی:**

روش تدریس بدیعه پردازی وقصه گوئی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

فرضیات فرعی

روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

روش تدریس قصه گوئی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

روش تحقیق

از نظر هدف کاربردی چون یک مساله واقعی را در سازمان مورد پژوهش حل می کند از نظر اجرا توصیفی زیرا در یک محیط واقعی بدون دستکاری متغیرها انجام می شود. از نظر جمع آوری داده ها، پیمایشی زیرا از طریق پرسشنامه داده از محیط واقعی جمع آوری می شود.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه ای و میدانی انجام خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات در این تحقیق به روش های زیر می باشد:

۱. از آمار توصیفی جهت برآورد مشخصه های مرکزی و تنظیم جداول توزیع فراوانی آماری و رسم نموداری استفاده خواهد شد.
۲. از طریق روش آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی و از آزمون کولوموگروف-اسمرینف، جهت بررسی نرمال بودن و یا نبودن داده ها بهره گیری می شود و بررسی بین نتایج آزمون از روش همبستگی مناسب انتخاب و به مرحله اجرا در می آید. در تحقیق حاضر جهت بررسی فرضیه ها تجزیه و تحلیل داده ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و نرم افزار SPSS استفاده شده است.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه فرعی اول: روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

H0: روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک تاثیر ندارد.

H1: روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک تاثیر دارد.

جدول (۱) نتایج آزمون همبستگی پیرسون روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان

| متغیر مستقل | | | متغیر وابسته | |
|---------------------------------------|--------------|---------------------|---------------------|-----------|
| روش تدریس بدیعه پردازی | | | ضریب همبستگی پیرسون | |
| حجم نمونه | سطح معناداری | ضریب همبستگی پیرسون | سطح معناداری | حجم نمونه |
| ۳۰ | ۰/۰۰۰ | *۰/۴۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۳۰ |
| *همبستگی در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است | | | | |

بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول (۱)، روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان در سطح ۹۵٪ اطمینان ($0.05 < \text{سطح معناداری}$) رابطه معنادار و مستقیمی ($0 > \text{ضریب همبستگی}$) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می شود. یعنی فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می شود. بین متغیر روش تدریس بدیعه پردازی و متغیر وابسته (پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان) تاثیر مثبت و معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه فرعی دوم: روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

H_0 : روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک تاثیر ندارد.

H_1 : روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک تاثیر دارد.

| جدول (۲) نتایج آزمون همبستگی پیرسون روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان | | |
|---|--------------|-------------------------------|
| متغیر مستقل | | متغیر وابسته |
| روش تدریس قصه پردازی | | پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان |
| ضریب همبستگی پیرسون | سطح معناداری | حجم نمونه |
| *۰/۳۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۳۰ |
| *همبستگی در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است | | |

بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول (۲)، روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان در سطح ۹۵٪ اطمینان ($0.05 < \text{سطح معناداری}$) رابطه معنادار و مستقیمی ($0 > \text{ضریب همبستگی}$) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می شود. یعنی فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می شود. بین متغیر روش تدریس قصه پردازی و متغیر وابسته (پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان) تاثیر مثبت و معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه اصلی: روش تدریس بدیعه پردازی و قصه گویی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

جدول (۳) خلاصه مدل

| ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | خطای معیار برآورد | دوربین-واتسن | سطح معنی داری |
|----------------------|------------|----------------------|-------------------|--------------|---------------|
| ۰/۶۵۸ | ۰/۳۱۴ | ۰/۳۳۰ | ۱/۶۹۲ | ۱/۸۹۵ | ۰/۰۰۰ |

برای روش تدریس بدیعه پردازی و قصه گویی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است. ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۶۵۸ و ضریب تعیین برابر ۰/۳۱۴ است. ضریب تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط مدل را نشان می دهد مقدار عددی ضریب تعیین بین صفر تا ۱ است. هر چه این مقدار به یک نزدیکتر باشد نشان دهنده قوی تر بودن رابطه مدل است.

یکی از پیش شرطهای رگرسیون این است که متغیر ملاک دارای خود همبستگی نبوده و خطاها مستقل از هم باشند. این شرط با آزمون دوربین-واتسن مورد آزمون قرار می گیرد. مقدار دوربین-واتسن برابر ۱/۸۹۵ است. چون این مقدار بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد نتیجه می گیریم که متغیر ملاک دارای خود همبستگی نبوده و خطاها مستقل از هم می باشند. با توجه به نتایج بدست آمده فرضیه اصلی تایید می گردد.

جدول (۴) جدول ضرایب رگرسیون بین روش تدریس بدیعه پردازی وقصه گوئی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان

| سطح معنی داری | t | ضرایب استاندارد شده | ضرایب استاندارد نشده | | |
|---------------|-------|---------------------|----------------------|-------|--------------------|
| | | Beta(بتا) | خطای معیار | B | |
| ۰/۰۰۱ | ۳/۶۵۴ | | ۲/۸۹۶ | ۹/۳۵۶ | مقدار ثابت |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۶۹۸ | ۰/۰۷۸ | ۰/۰۶۶ | ۰/۰۸۵ | تدریس بدیعه پردازی |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۲۲۰ | ۰/۳۱۳ | ۰/۰۴۹ | ۰/۲۰۵ | تدریس قصه پردازی |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۷۶۶ | ۰/۳۶۲ | ۰/۰۵۰ | ۰/۱۸۴ | ذهنیت فلسفی |

بحث و تفسیر، مقایسه نتایج تحقیق

آزمون فرضیه اصلی: روش تدریس بدیعه پردازی وقصه گوئی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

برای روش تدریس بدیعه پردازی وقصه گوئی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است. ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۶۵۸ و ضریب تعیین برابر ۰/۳۱۴ است. ضریب تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط مدل را نشان می دهد مقدار عددی ضریب تعیین بین صفر تا ۱ است. هر چه این مقدار به یک نزدیکتر باشد نشان دهنده ی قوی تر بودن رابطه مدل است. یکی از پیش شرطهای رگرسیون این است که متغیر ملاک دارای خود همبستگی نبوده و خطاها مستقل از هم باشند. این شرط با آزمون دوربین- واتسن مورد آزمون قرار می گیرد. مقدار دوربین- واتسن برابر ۱/۸۹۵ است. چون این مقدار بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد نتیجه می گیریم که متغیر ملاک دارای خود همبستگی نبوده و خطاها مستقل از هم می باشند. باتوجه به نتایج بدست آمده فرضیه اصلی تایید می گردد.

آزمون فرضیه فرعی اول: روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول (۱)، روش تدریس بدیعه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان در سطح ۹۵٪ اطمینان ($0.05 <$ سطح معناداری) رابطه معنادار و مستقیمی ($0 >$ ضریب همبستگی) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می شود. یعنی فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می شود. بین متغیر روش تدریس بدیعه پردازی و متغیر وابسته (پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان) تاثیر مثبت و معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه فرعی دوم: روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر راسک در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تاثیر دارد.

بر اساس نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) در جدول (۱)، روش تدریس قصه پردازی بر پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان در سطح ۹۵٪ اطمینان ($0.05 <$ سطح معناداری) رابطه معنادار و مستقیمی ($0 >$ ضریب همبستگی) وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پذیرفته می شود. یعنی فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می شود. بین متغیر روش تدریس قصه پردازی و متغیر وابسته (پرورش ذهنیت فلسفی دانش آموزان) تاثیر مثبت و معناداری وجود دارد.

انتخاب روش تدریس از مراحل مهم طراحی آموزشی است. از میان انواع روش تدریس، روش قصه گوئی بیش از سایر وسایل تربیتی در رفتار کودک مؤثر است. ادبیات کودکان و نوجوانان در هر اجتماعی با توجه به نظام های حکومتی، دین و مذهب، قوانین و مقررات، فرازاها و فرودهایی داشته که درخور تأمل و بررسی است. ارزش قصه گوئی مانند یک شکل ادبی در میان سایر دروس

ادبیات به آسانی قابل تشخیص است؛ که می توان آن را به عنوان راهی برای گسترش رشد زبان و وسعت دادن گنجینه ی واژگانی کودکان از طریق ارتباط متقابل با قصه گو و با قصه به شمار آورد. به کارگیری قصه و عناصر داستانی و روایی در کتب درسی برای انتقال مفاهیم علمی، کاری ارزشمند و قدمی شایسته در جهت پیشرفت آموزش است. با توجه به این ارزشمندی و ضرورت، هدف از نگارش این مقاله توجه بیشتر نظام آموزشی رسمی کشور در خصوص روش تدریس با رویکرد قصه و قصه گوئی، بیان تأثیرات در احساسات و عواطف دانش آموزان، و بیان ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد. به طور کلی، می توان ادعا کرد که تدریس به شکل داستان از جدی ترین و بنیادی ترین روش های انتقال مفاهیم به دنیای دانش آموزان است. نمی توان نقش شگفت انگیز قصه را در آموزش و انتقال مفاهیم تربیتی و اخلاقی و دینی انکار کرد. یکی بود، یکی نبود»، عبارتی جادویی است که بچه های سراسر جهان را فارغ از زبان، نژاد، رنگ و مذهب، به دنیای دیگری خارج از وحشیگری های دنیای امروز می برد و همه بچه ها را با یکدیگر هم وطن می سازد. با تدریس داستان گونه در کلاس هایمان عملاً قدمی هرچند کوچک در جهت احیای ارزش های فرهنگی در جامعه برداریم و کیفیت یادگیری را نه فقط تا پایان سال تحصیلی بلکه تا پایان عمر بیمه کنیم. همچنین بکوشیم تا دانش آموزان به خودانگیختگی و آگاهی اخلاقی دست یابند و در نهایت، به اصلاح خود و تصحیح رفتارهای نادرست از دریچه تدریس صحیح برسند.

فهرست منابع

- مددی، حسین و صیف، محمد حسن، (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر به کارگیری روش تدریس بدیعه پردازی بر افزایش میزان خلاقیت دانش آموزان، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.
- جم، علی اکبر و قاسمی، فاطمه، (۱۳۹۹)، اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر درگیری تحصیلی دانش آموزان ششم ابتدایی شهر گناباد، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
- برکت، غلامحسین و روشنائیان، زهرا (۱۳۹۸)، بررسی اثربخشی روش تدریس بدیعه پردازی بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی در دانش آموزان پایه پنجم ابتدائی شهرستان ماهشهر، کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در علوم تربیتی و روانشناسی و آسیب های اجتماعی ایران، تهران.
- عبدی، علی و گودرزی، هادی و ضیغمیان، فاطمه، (۱۳۹۷)، بررسی اثربخشی روش تدریس نمایش خلاق بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، نخستین همایش ملی برنامه ریزی و تحول نظام آموزشی، قم.
- رازقی، احمد، (۱۳۹۶)، مقایسه تاثیر دو روش سخنرانی و طرح تدریس اعضای تیم بر نگرش وانگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس علوم تجربی پایه پنجم، سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم.